



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۶۴	تاریخ درس:	۱۴۰۰/۰۱/۱۴
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان فرعی ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان فرعی ۵	حق اول: تأمین امنیت			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

با تمسک به ذیل عنایت حضرت ولی عصر صلوات الله تعالی علیه و دعا جهت سلامتی شما و تمام مؤمنین در این سال نو و دعا برای اینکه این سال نوراً برای همه مسلمین و ملت ایران و همه ملل اسلامی سالی پر از برکت و خیر قرار بدهد؛ سال خلاصی از شر اشرار و کید فجار ان شاء الله قرار دهد.

بحث ما در اصول سیاست داخلی نظام اسلامی بود. در نظام سیاسی اسلام، درباره اصول سیاست داخلی بحث می کردیم؛ به اصل چهارم از این اصول سیاسی رسیدیم و گفتیم اصل چهارم عدم تبعیض بین شهروندان در حقوق شهروندی است و اینکه در حقوق شهروندی همه شهروندان حتی شهروند غیر مسلم در کشور اسلامی باشد، در حقوق شهروندی، همسان با یک مسلمان با او رفتار می شود؛ لذا در اینجا دو بحث داشتیم؛ بحث اول اینکه حقوق شهروندی چیست و تا بعد اثبات کنیم که تساوی حقوق شهروندی به چه معنی است و دلیل بر آن چیست. حقوق شهروندی را تعریف کردیم و گفتیم حقوق شهروندی را در هفت حق خلاصه کردیم و گفتیم حقوق شهروندی از دیدگاه منابع اسلامی، این هفت حق است: حق امنیت، حق تأمین نیازمندی های زندگی _خوراک، مسکن، پوشاک و درمان_، حق کار و اشتغال، حق مالکیت دست رنج و نتیجه کار، حق ازدواج و تولید مثل، حق آموزش و تعلیم و تعلم و حق آزادی در انجام آیین ها و عبادت های دینی و رسوم. بعد از بیان این هفت حق، شروع کردیم به بیان دلیل بر اینکه این حقوق برای شهروند ثابت است و از حق امنیت شروع کردیم و ادله ای برای ثبوت حق امنیت بیان کردیم؛ از آیات کریمه قرآن که گفتیم که از این آیه شاید بتوان استفاده کرد که می فرماید:

لَا يَلَاِفُ قُرَيْشٍ * إِيْلًا فِيهِمْ رَحْلَةً لِّلشَّاءِ وَالصَّيْفِ * فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ
وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ^۱؛

(کیفر لشکر فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدس) الفت گیرند (و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود)! * الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه (و بخاطر این الفت به آن بازگردند)! * پس (بشکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند، * همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.

[این آیه] خدا را به عنوان ربی که «أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» [معرفی می کند] و حاکم اسلامی نیز جانشین خداست و وظیفه دارد که همان کاری که خدای متعال در جامعه اجرا می کند و به عمل می رساند، بخش تکوینی آن را ملائکة الله و دستگاه های مدیریتی جهان تکوین و بخش تشریعی آن را مدیریت جهان تشریع [به دست خواهد گرفت] که همان حاکم خواهد بود؛ پس معلوم می شود حاکم نیز وظیفه «أَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» دارد همانطوری که وظیفه «أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ» دارد؛ بنابراین از این آیه می توان استفاده کرد که حاکم وظیفه تأمین امنیت دارد.

شاید بتوان از آیه دیگری نیز چنین استفاده ای کرد، آنجا که می فرماید:

«وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»^۲؛

و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد.

اینکه امر شده است؛ از این «فلولا» استفاده امر می شود که باید مسائل امن و خوف را به ولی امر ارجاع داد؛ به رسول و اولی الامر ارجاع داد؛ معلوم می شود حوزه امنیت، حوزه وظایف ولی امر است؛ از این استفاده می کنیم که ولی امر مسئول دفع الخوف و تأمین الامن است. هنگامی که مسئول «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ» ولی امر بود، مناسبات حکم و موضوع چنین اقتضا می کند که مراد از اینکه امور مربوط امن و خوف به اولی الامر ارجاع شود این است که هم تأمین امن و هم دفع الخوف در حوزه مسئولیت و مدیریت اولی الامر است و لذا فرمود که باید به او ارجاع داده شود.

۱. سورة قريش: ۱ - ۴.

۲. سورة نساء: ۸۳.

روایات متعددی نیز در این خصوص وجود دارد که برخی از این روایات را بیان کردیم؛ روایت عهد مالک اشتر را بیان کردیم که حضرت آنجا فرمود:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارًّا يَا تَعْتَنِيهِ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخُوكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ»^۱؛

مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.

از تمام این اوامری که در این بخش از نامه آمده است، استفاده می‌شود که تمام آنچه مصلحت و دفع ضرر و جلب منفعت عامه مردم است و یا به تعبیر روایت: رعیت است باید حاکم بر عهده بگیرد. این بخش پایانی این قطعه از نامه را ما برای بخش دوم از بحثمان استفاده می‌کنیم که آن بخش برابری در حقوق شهروندی است اما از بخش ابتدای این قطعه یعنی «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ...» شاید بتوان استنباط کرد؛ اما روایاتی وجود دارد که در وجوب تأمین امنیت برای جامعه بر حاکم اسلامی از این روایت صریح‌تر است؛ از جمله خطبه ۴۰ از نهج البلاغه که خواندیم که در آن آمده بود:

«وَإِنَّهُ لَا بَدَلَ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِتَى وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ...»^۲؛

مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهرمند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان باشد ...

حضرت به شکلی دارد وظایف حاکم را بیان می‌کند که اگر حاکم فاجر هم باشد اما بتواند این وظایف را عمل کند، جامعه نیازمند چنین حاکمی هست.

همچنین به خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه اشاره کردیم که در آنجا این عبارت آمده بود:

۱. نهج البلاغه؛ نامه ۵۳.

۲. همان: خطبه ۴۰.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا تِمَاسٍّ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ وَلَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ إِلَّا صِلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛^۱

خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستمدیده ات در امن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد.

حضرت می فرماید یکی از اهداف اینکه ما زیر بار این مسئولیت می رویم و رفته ایم، «يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ» است؛ ایجاد امنیت برای مظلوم است؛ معلوم است امنیت که برای ظالم نباید تأمین شود؛ آنکه نیازمند تأمین امنیت است، مظلوم است و الا روشن است که ظالم نباید امنیت داشته باشد؛ لذا این مقطع از خطبه حضرت، به طور روشن یکی از وظایف حاکم را ایجاد امنیت و برقراری امنیت بیان می کند. البته این را گفته ایم که از حضرت سید الشهداء علیه السلام نیز همین مقطع نقل شده است که حضرت در ضمن خطبه مفصلی این مقطع را نیز بیان کرده اند.

همچنین خطبه ۱۷۲ نهج البلاغه را بیان کردیم که حضرت امیر علیه السلام در آن درباره اصحاب جمل می فرماید:

«فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا تَجْرُ الْأَمَّةُ عِنْدَ شَرَائِهَا مُتَوَجِّهِينَ بِهَا إِلَى الْبَصْرَةِ فَحَبَسَا نِسَاءَهُمَا فِي بُيُوتِهِمَا وَأَبْرَزَا حَبِيسَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَهُمَا وَلَعِيْرِهِمَا فِي جَيْشٍ مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَقَدْ أَعْطَانِي الطَّاعَةَ وَسَمَحَ لِي بِالْبَيْعَةِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فَقَدِمُوا عَلَيَّ عَامِلِي بِهَا وَخُزَانِيَّتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَغَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِهَا فَقَتَلُوا طَائِفَةً صَبْرًا وَطَائِفَةً غَدْرًا فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ بِلَا جُرْمٍ جَرَّهُ لِحَلِّ لِي قَتْلُ ذَلِكَ الْجَيْشِ كُلِّهِ إِذْ حَضَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا يَدِّ دَعَا أَنَّهُمْ قَدْ قَتَلُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ»^۲

[طلحه و زبیر و یارانشان] بر من خروج کردند، و همسر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عائشه - را به همراه خود می کشیدند چونان کنیزی را که به بازار برده فروشان می برند، به بصره روی آوردند، در حالی که همسران خود را پشت پرده نگهداشته، اما پرده نشین حرم پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند.

۱. همان؛ نامه ۱۳۱.

۲. همان؛ خطبه ۱۷۲.

لشکری را گرد آوردند که همه آنها به اطاعت من گردن نهاده، و بدون اکراه، و با رضایت کامل با من بیعت کرده بودند، پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه داران بیت المال مسلمین، و به مردم بصره حمله کردند، گروهی از آنان را شکنجه و گروه دیگر را با حيله کشتند. به خدا سوگند، اگر جز به یک نفر دست نمی یافتند و او را عمدا بدون گناه می کشتند کشتار همه آنها برای من حلال بود، زیرا همگان حضور داشتند و انکار نکردند، و از مظلوم با دست و زبان دفاع نکردند، چه رسد به اینکه ناکثین به تعداد لشکریان خود از مردم بی دفاع بصره قتل عام کردند.

در این مقطع استفاده می شود که حاکم وظیفه دارد هر نوع رفتار ضد امنیتی را از جامعه مسلمین دفع کند به طوری که اگر عده ای بخواهند امنیت را از یک نفر از جامعه مسلمین سلب کنند و یک نفر را بکشند، حضرت می فرماید: «لَحَلَّ لِي قَتْلُ ذَلِكَ الْجَيْشِ كُلِّهِ» و بعد می فرماید: «إِذْ حَضَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا وَ لَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَ لَا بِيَدٍ»؛ معلوم می شود دفع به لسان و ید و دفاع از امنیت انسان مسلم از وظایف همه مسلمین مخصوصا خود حاکم است.

و همچنین به خطبه ۲۷ اشاره کردیم که حضرت در رابطه با حمله هایی که لشکر معاویه به مرزهای حکومت حضرت انجام می داد فرمود:

«وَهَذَا أَخُو غَامِدٍ [وَ] قَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ وَ قَدْ قَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانَ الْبَكْرِيَّ وَ أَزَالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَاحِلِهَا وَ لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةِ فَيَنْتَرِعُ حِجْلَهَا وَ قُلُبَهَا وَ قَلَانِدَهَا وَ رُعْثَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَ الْأَسْتِرْجَاعُ نَصْرُ فُؤَادٍ فَرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَأَنَّ رَأْسَهُ دَمْرٌ فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا^۱؛

و اینک، فرمانده معاویه، (مرد غامدی)^۲ با لشکرش وارد شهر انبار شده و فرماندار من، «حسان بن حسان بکری» را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است. به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده، و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره های آنها را به غارت برده، در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته اند. لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند بدون این که حتی یک نفر آنان، زخمی بردارد، و یا قطره خونی از او ریخته شود، اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است!.

۱. همان؛ خطبه ۲۷.

۲. سفیان بن عوف غامدی، از سرداران معاویه و اهل یمن بود، غامد نام قبیله ای در یمن است.

این مقطع از این خطبه دلیل روشنی است بر اینکه حاکم و حکومت اسلامی وظیفه تأمین امنیت دارد. همچنین حضرت در خطبه دیگری نیز به این مطلب اشاره دارد:

«إِنَّ اللَّهَ [تَعَالَى] سُبْحَانَهُ أَنْزَلَ كِتَابًا هَادِيًا بَيِّنَ فِيهِ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ فَاخْتَدُوا نَهَجَ الْخَيْرِ تَهْتَدُوا وَاصْدِفُوا عَنْ سَمْتِ الشَّرِّ تَقْصِدُوا الْفَرَائِضَ الْفَرَائِضَ أَذْوَها إِلَى اللَّهِ تَوَدُّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ وَأَحَلَّ حَلَالًا غَيْرَ مَذْخُولٍ وَفَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحُرْمِ كُلِّهَا وَشَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَالتَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ»؛^۱

خدای تعالی کتاب (قرآن کریم) را فرستاد راهنما (ی بندگان) در آن نیک و بد (اعتقاد و گفتار و کردار) را بیان فرموده، پس راه نیک را پیش گیرید تا (بخدا و رسول) هدایت شده راه ببرید، و از جانب بدی دوری گیرید تا در میان راه راست (که شما را بحق و حقیقت می‌رساند) راه بروید. واجبات! واجبات! در انجام واجبات کوتاهی نکنید تا شما را به بهشت رساند، همانا خداوند چیزهایی را حرام کرده که ناشناخته نیست، و چیزهایی را حلال کرده که از عیب خالی است، و در این میان حرمت مسلمان را بر هر حرمتی برتری بخشید و حفظ حقوق مسلمانان را به وسیله اخلاص و توحید استوار کرد. پس مسلمان کسی است که از مسلمانان از زبان و دست او آزاری نبینند، مگر آنجا که حق باشد، و آزار مسلمان روا نیست جز در آنچه که واجب باشد.

این، دلیل روشن و صریحی است برای وجوب تأمین امنیت برای مسلمان؛ می‌فرماید: «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»؛ هیچ مسلمانی حتی با زبان حق تعدی به مسلمان دیگری ندارد و بعد می‌فرماید: «لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ»؛ آزار رسانی به مسلمان جایز نیست؛ معلوم می‌شود آزار رسانی نیز نوعی سلب امنیت است و ان شاء الله خواهیم گفت که این امنیت، هم امنیت مالی است و هم امنیت آبرویی و هم امنیت جانی و این «لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ» شامل عرض نیز می‌شود و آبروی کسی را ریختن، نوعی سلب امنیت از اوست؛ لذا اینکه گفته شود رسانه‌ها باید آزاد باشند هرچه بگویند، درست نیست؛ این نوعی سلب امنیت است که رسانه بخواهد آزاد باشد که آبروی کسی را ببرد و شخصی را زیر سوال ببرد؛ این سلب امنیت است. اگر کسی جرمی دارد، باید به دادگاه و قوه قضاییه برود و آن هم به طوری نباشد که عیش را آشکار کنند مگر در موارد و جرم‌های خاصی که وظیفه حاکم این است که مجرم را به جامعه معرفی کند؛ گاهی لازم است سر او را بتراشد و او را در شهر بگردانند تا مردم او را ببینند؛ این در موارد خاص است که نوعی تنبیه است؛ و

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۶۷.

آن تنبیه تنبیه کسی است که مجرم است و برای جرم او چنین تنبیهی معین شده است؛ ولی عامه مردم باید از هر نظر تأمین امنیت شوند. این پنج روایتی بود که در گذشته به آنها اشاره کرده بودیم.

روایت ششم روایت مفصلی از حضرت رضا علیه السلام درباره امامت و صفات امام است که این روایت را هم صدوق در عیون اخبار الرضا نقل می‌کند و هم کلینی در کافی؛ ولی سند مرحوم کلینی در کافی مرفوعه است اما سند مرحوم صدوق در عیون اخبار الرضا برای این روایت که بسیار روایت مهم و پرمضمونی است، سند متصل و صحیحی است؛ لذا این روایت روایت صحیح السند است با اینکه در کافی به صورت مرفوعه مطرح شده است؛ در ضمن این روایت چنین آمده است:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ... بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرُ الْفَقْرِ وَالصَّدَقَاتِ وَإِمْضَاءُ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَمَنْعُ الثُّغُورِ الْأَطْرَافِ»؛

همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و بسیار شدن غنیمت و صدقات و اجراء حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف به وسیله امام است.

یعنی باید امنیت مرزها را تأمین کند و گوشه و کنار جامعه اسلامی باید تأمین امنیت شود و «منع»، منع از ناامنی و چیزهایی که آنها را از جهت امنیت آزار می‌دهد است.